

بخش قبلی مقاله، به اصول عمومی اشاره داشت که در بحث مدیریت ریسک اعتباری و حسابداری وام‌ها مهم تلقی می‌شوند. این بخش اصول دیگر را با ماهیتی خیلی خاص تشریح می‌کند:

هر بانک می‌بایست یک وام را - اعم از این که خودش آن را ایجاد کرده باشد یا آن را خریده باشد - صرفاً زمانی در ترازنامه‌اش شناسایی کند که طرف حساب مفاد قیدشده در قرارداد وام باشد.

وقتی یک بانک طرف قرارداد وام محسوب می‌شود و حق دریافت اصل و بهره آن را به‌دست می‌آورد که کنترل منافع اقتصادی مرتبط با وام در دستش باشد.

معمولاً بانک، در زمان پیش‌پرداخت وجه به یک شخص ثالث، طرف قرارداد تلقی می‌گردد (برای مثال، کسب مالکیت قانونی وام). در نتیجه، تعهد به پرداخت وام، یک دارایی بالای خط تلقی نمی‌شود^(۱).

در بعضی از کشورها کسب مالکیت قانونی، بیشتر به عنوان یک فرایند تلقی می‌شود تا به عنوان یک رویداد گسسته. به‌هرحال، پیش‌پرداخت نوعاً یکی از مهمترین عوامل تشکیل دهنده مالکیت قلمداد می‌گردد.

هر بانک صرفاً هنگامی می‌بایست یک وام (یا بخشی از یک وام) را از ترازنامه‌اش حذف نماید که کنترل حقوق قراردادی نسبت به وام مزبور (یا بخشی از وام) را از دست داده باشد. بانکی که چنین کنترلی را از دست می‌دهد، اگر حقوقی نسبت به منافع معین شده در قرارداد شناسایی کرده باشد، آن حقوق منقضی می‌گردد یا بانک از

وقتی که توانایی کسب منافع آتی اقتصادی مرتبط با یک وام و توانایی محدودکردن دسترسی دیگران به این منافع، به دیگران منتقل شده باشد، از کنترل وام صرفنظر شده است^(۲).

اگر از نظر اقتصادی یا سایر شرایط، وضعیت به‌گونه‌ای باشد که بانک یا منتقل‌آلیه (دریافت‌کننده) را به لغو انتقال وادار نماید و اساساً اوضاع را به حال قبل برگرداند، از کنترل صرفنظر نمی‌گردد. با وجود این، اگر بانک ذیحق باشد و به خرید یا بازخرید وام‌های منتقل شده به یک قیمت ثابت یا معین متعهد گردد - به طوری که برای منتقل‌آلیه به طور موثر یک نرخ بازدهی برابر با بهره وجوهی که وی به بانک ارایه نموده است، فراهم آورد - از کنترل صرفنظر نمی‌شود.

رویه‌های

صحیح

افشا

و

حسابداری

وام

بخش پنجم

اگر وام به جای آن که به صورت نقدی اعطا شود، به شکل‌های دیگر دارایی به استقراض‌کننده منتقل شود، بهای تمام‌شده وام عبارتست از ارزش منصفانه اینگونه دارایی‌ها در زمان اعطای وام.

حفظ حقوقی سرویس‌دهی بانک به عنوان یک فاکتور در صرفنظرکردن یا عدم صرفنظر از کنترل وام‌ها، ملحوظ نظر قرار نمی‌گیرد. هر بانک می‌بایست اساساً وام را برحسب بهای تمام‌شده اندازه‌گیری نماید. برای وام‌هایی که به وسیله بانک ایجاد می‌شوند،

اشاره

در بخش‌های قبلی، پس از مروری بر کلیات، مقدمات، سابقه و تاریخچه و شرح واژگان به‌کاررفته در این مقاله، به بیان اصول حسابداری صحیح وام‌ها پرداختیم و یادآور شدیم که انتخاب و به‌کارگیری رویه‌ها و سیاست‌های حسابداری وام‌ها، می‌بایست با مفاهیم اساسی حسابداری سازگاری و انطباق داشته باشد. اینک توجه شما را به ادامه بحث جلب می‌کنیم.

بانک و اقتصاد

② یکی از موضوعات اساسی برای ناظران، دقیق‌بودن و به‌موقع‌بودن افشاهای ریسک اعتباری است.

ارزیابی هر وام یا گروهی از وام‌های مربوطه می‌بایست بر مبنای ارزش اعتباری قرض‌گیرنده خاص و ارزش اعتباری گروهی که قرض‌گیرنده به آن متعلق می‌باشد، صورت گیرد. ارزیابی آسیب وارده، بیشتر بر توانایی قرض‌گیرنده برای بازپرداخت همه مقادیر بدهی مطابق با شرایط قیدشده در قرارداد متمرکز می‌باشد. ارزیابی می‌بایست همه عوامل مرتبطی را که در تاریخ ارزیابی بر قابلیت وصول اصل و فرع وام اثرگذار می‌باشند، منعکس نماید. عوامل در ارزیابی توانایی بانک به منظور وصول اصل و فرع عبارتند از: سوابق پرداختی‌های قرض‌گیرنده، شرایط کلی مالی و دارایی‌های قرض‌گیرنده، توانایی پرداخت اصل و فرع وام، عملکرد مالی قرض‌گیرنده، دارایی ویژه و دورنمای آتی قرض‌گیرنده، دورنمای حمایت مالی ضامن‌ها، ماهیت و درجه حمایت‌های ایجادشده از طریق جریان نقدی جاری و محقق شده و همچنین ارزش وثیقه‌های اساسی و ریسک کشوری.

برای ذخیره‌گیری را به صورتی که در زیر ارایه شده است، تهیه و تنظیم نمود. این رهنمود تاکید می‌کند که سه موضوع اساسی اثرگذار بر حسابداری وام‌ها که می‌بایست در مدنظر بازرسان باشند، عبارتند از: (a) کفایت فرایندهای یک موسسه برای تعیین ذخایر، (b) کفایت کل ذخایر، (c) شناسایی به موقع زیان‌های شناخته‌شده از طریق ذخایر خاص و یا منظورکردن آنها به حساب هزینه^(۶).



② مدیران بانک‌ها باید همواره احتمال ورشکستگی قرض‌گیرنده را در نظر داشته باشند.

وقتی که این احتمال وجود دارد که بانک قادر نخواهد بود، یا دیگر اصلاً تضمینی وجود ندارد که کل مبلغ وام‌ها را مطابق شرایط قرارداد وصول نماید، بانک می‌بایست آسیب‌های وارده به یک وام یا یک گروه از وام‌های ارزیابی شده را شناسایی نماید. آسیب وارده می‌بایست به وسیله کاهش مبلغ اسمی وام (وام‌ها) از طریق ذخیره یا حذف (به حساب زیان منظورکردن) و لحاظ کردن آن در صورت‌حساب سود و زیان در دوره‌ای که آسیب رخ می‌دهد، شناسایی گردد. برای اطمینان از این که آسیب وارده به وام به موقع شناسایی گردد، می‌بایست تنزل کیفیت اعتباری وام‌ها به صورت منظم بررسی و بازنگری شود، خصوصاً در تهیه گزارش‌های مالی طی دوره و سالانه توجه شود که همه اطلاعات از جمله وضعیت اقتصادی و دیگر شرایط، در تاریخ گزارش‌دهی لحاظ شده باشد.

وقتی که اطلاعات حاکی از آن هستند که زوال و تنزل عمده‌ای در کیفیت اعتباری بخش قابل توجهی از پرتفوی وام رخ داده است، برای شناسایی آسیب وارده می‌بایست بین تاریخ‌های گزارش‌دهی، وام‌ها مورد بررسی و بازنگری قرار گیرند.

بهای تمام‌شده وام عبارت است از مقدار وام داده‌شده به وام‌گیرنده با منظورکردن هزینه‌های معوق خالص وام که از نظر ماهیتی شبیه بهره می‌باشند، که برای مثال، بر مبنای زمان یا با توجه به مقدار وام محاسبه می‌گردد^(۳). وقتی که یک وام از یک شخص ثالث خریداری می‌شود، بهای تمام‌شده عموماً عبارتست از ارزش منصفانه مابه‌ازای داده‌شده برای کسب وام در زمان خرید آن^(۴).

اینک به شرح رویه‌های صحیح شناسایی و اندازه‌گیری آسیب‌ها می‌پردازیم، اما قبل از بحث در این باره لازم است این نکته یادآوری شود که از حیث برخی ابعاد اساسی، ذخیره‌گیری در میان کشورها متفاوت می‌باشد.

در بعضی از کشورها، در خصوص رویه تعیین اندازه مناسب کل ذخیره وام، ملاحظات قابل توجهی وجود دارد. در این رابطه سوال اساسی این است که آیا سطح ذخیره وام برای پوشش زیان‌های مرتبط با کل پرتفوی وام کافی می‌باشد یا خیر؟ در اینگونه کشورها همه یا حجم زیادی از ذخایر یک بانک، ذخیره‌های عمومی هستند و زیان‌های شناسایی شده در مرحله اولیه به حساب هزینه منظور می‌شوند. در کشورهای دیگر، توجه عمده بر روی رویه به دست آوردن ارزش خالص دفتر یکایک وام‌ها است و سوال اساسی در این رابطه این است که آیا ذخایر خاص برای پوشش همه زیان‌های موردانتظار و محرز شده ذاتی در این وام‌ها، بر حسب قلم‌به‌قلم کافی می‌باشد یا خیر؟ در این کشورها زیان‌های شناسایی شده‌ای که هنوز قطعی نشده‌اند، اغلب از طریق ذخایر خاص مورد شناسایی قرار می‌گیرند، برعکس کشورهای دسته اول که اینگونه زیان‌ها را به حساب هزینه منظور می‌نمایند^(۵). به عنوان دومین مرحله، بانک‌ها در بعضی از کشورهای دسته دوم به منظور پوشش زیان‌های بالقوه‌ای که هنوز شناسایی نشده‌اند، اما از وجودشان اطلاعی کسب شده باشد، ذخیره عمومی تکمیلی در نظر می‌گیرند.

علیرغم این تفاوت‌ها، می‌توان رویه‌های صحیح

بهای تمام‌شده وام عبارتست از مقدار وام داده‌شده به وام‌گیرنده با منظورکردن هزینه‌های معوق خالص وام که از نظر ماهیتی شبیه بهره می‌باشند.

وقتی که دیگر منابع بازپرداخت وام در طی زمان کافی نباشند، اهمیت ارزش وثیقه در تجزیه و تحلیل‌ها افزایش می‌یابد.

به طور معمول، توجه صرف به یک عامل، مثلاً ارزش وثیقه، کافی نمی‌باشد. اما وقتی که دیگر منابع بازپرداخت در طی زمان کافی نباشند، اهمیت ارزش وثیقه در تجزیه و تحلیل‌ها افزایش می‌یابد. بنابراین، مدیریت می‌بایست برنامه‌ای را تدارک ببیند که وثیقه‌ها به صورت دوره‌ای نظارت و تجزیه و تحلیل شوند. البته می‌بایست این مساله هم رعایت شود که وثیقه‌ها بر پایه احتیاطی ارزشگذاری گردند. به طور مثال، برای وام‌های اعطاشده در زمینه املاک و مستغلات مهم تجاری، بانک‌ها می‌بایست با استفاده از اشخاص حرفه‌ای واجد شرایط داخل یا خارج از بانک، تخمین‌های درستی را از ارزش منصفانه جاری وثیقه‌ها به دست آورند. مدیریت می‌بایست هرگونه برداشت و فرضیه‌های تخمینی را برای اطمینان از منطقی بودن و به موقع بودن بازنگری نماید. نوعاً فرض‌های تخمینی بر بازده جاری وثیقه‌ها یا دارایی‌های مشابه پایه‌گذاری شده‌اند. بسیاری از ناظران انتظار دارند که در ارزیابی‌ها، قابلیت درآمدزایی املاک و مستغلات در طی زمان بر مبنای

درباره پرداخت‌های اصل یا فرع وام تاخیر داشته باشد و یا بانک به وی مساعدت نماید تا قادر شود به تعهدات پرداختی جاری‌اش عمل نماید. در چنین شرایطی، توانایی جاری قرض‌گیرنده برای پرداخت، الزاماً این مساله را توجیه نمی‌کند که وام مزبور به عنوان آسیب‌دیده تلقی نشود.

به‌هرحال، اگر تضمین منطقی وجود داشته باشد که قرض‌گیرنده قادر به بازپرداخت اصل و فرع وام مطابق شرایط قیدشده در قرارداد می‌باشد، یا این که وام به طور کامل تضمین شده باشد و تلاش برای وصول آن منجر به نتیجه مطلوب گردد، نیازی نیست که این وام به عنوان آسیب‌دیده طبقه‌بندی شود. ■
ادامه دارد

زیر نویس‌ها

- (۱) یک تعهد یا ضمانت الزام‌آور می‌تواند ریسک اعتباری را موجب گردد که ممکن است نیازمند آن باشد تا مبلغی به عنوان بدهی گزارش شود. در بعضی از کشورها کل مبلغ ضمانت در بالای خط ترازنامه شناسایی می‌شود.
- (۲) علیرغم ازدست‌دادن کنترل حقوق قراردادی وام، بانکی که به عنوان ضامن عمل می‌کند، یا به نحوی دیگر ریسک‌های مرتبط با وام را حفظ می‌نماید، این تعهدات می‌بایست به عنوان یک بدهی شناسایی شوند یا به عنوان یک بدهی احتمالی افشا گردند. به‌هرحال، این مساله خارج از حوصله این مقاله می‌باشد.
- (۳) اگر وام به جای آن که به صورت نقدی اعطا شود، به شکل‌های دیگر دارایی به استقراض‌کننده منتقل شود، بهای تمام‌شده وام عبارتست از ارزش منصفانه اینگونه دارایی‌ها در زمان اعطای وام.
- (۴) ارزش منصفانه عبارتست از آن مبلغی که یک دارایی براساس آن مبادله و معامله می‌شود و یا یک بدهی تسویه می‌گردد. این امر بین اشخاص به صورت دلخواهانه و با اطلاع و آگاهی و در یک معامله واقعی و غیرساختگی صورت می‌پذیرد. یک معامله واقعی و غیرساختگی عبارتست از معامله‌ای که بین اشخاص غیروابسته صورت می‌گیرد که در آن هریک از طرفین تلاش می‌کنند تا بیشترین منفعت را عاید خود سازند.
- (۵) لازم به یادآوری است که در کشورهای بخش دوم نیز وام‌ها نهایتاً به حساب هزینه‌ها منظور می‌شوند (حذف می‌شوند).
- (۶) همانطور که قبلاً یادآوری شد، چهارمین موضوع اساسی برای ناظران، دقیق بودن و به‌موقع بودن افشاهای ریسک اعتباری است.
- (۷) به‌طور معمول، استفاده از این استتیا نیازمند آن است که وثیقه‌ها به آسانی قابل فروش باشند. علاوه بر این، همانطور که قبلاً اشاره گردید، وثیقه‌ها می‌بایست به صورت دوره‌ای تجدیدارزیابی شوند.

قرض‌گیرنده که اعطای اینگونه امتیازات در شرایطی غیر از این صورت نمی‌گرفت.

یکی از عواملی که عموماً بیانگر زوال و تنزل کیفیت اعتباری وام می‌باشد، این است که قرض‌گیرنده در پرداخت اصل و فرع وام در هنگام سررسید نکول کرده باشد. به عنوان نقطه شروع، وام‌ها عموماً وقتی به عنوان آسیب‌دیده می‌بایست شناسایی شوند که طبق قرارداد یک تعداد حداقل روزها - که منعکس‌کننده رویه‌های داخلی پرداخت برای نوع وام موردبخت باشد، مثلاً ۶۰ روزه - نکول شده باشند.

به عنوان استثنا، وام‌ها هنگامی به عنوان آسیب‌دیده شناسایی نمی‌شوند که کاملاً تضمین شده

تخمین‌های منطقی و حمایتی و با استفاده از تنزیل، موردلحاظ قرار گیرند. نقاط ضعف در سیستم‌های قانونی و دیگر موانعی که در تضمین حقوق وثیقه‌ها، ضبط اموال رهنی و حق تصرف آن مشکل ایجاد می‌کنند، می‌بایست در نظر گرفته شوند.

حتی وقتی که شرایطی باعث می‌شود تا نسبت به توانایی قرض‌گیرنده در بازپرداخت همه وجوه بدهی مطابق شرایط قیدشده در قرارداد عدم‌اطمینان به وجود آید، این قبیل مسایل می‌بایست در شناسایی آسیب ملحوظ‌نظر قرار گیرند. مدیریت می‌بایست هم از اطلاعات داخلی و هم خارجی استفاده نماید. شواهد آسیب‌های وارده در این زمینه عبارتند از:



② نظارت و تجزیه و تحلیل دقیق و دوره‌ای وثایق، از واجبات است.

باشند و تضمین منطقی وجود داشته باشد که تلاش برای وصول به‌موقع منجر به بازپرداخت اصل و فرع وام خواهد شد و میزان خسارات وارده برای پرداخت‌های نکول شده را نیز دربرمی‌گیرد^(۷). به‌طور واضح نکول در پرداخت‌های عمده صرفاً یکی از فاکتورهای مهم برای شناسایی آسیب می‌باشد. وام‌هایی که دارای دیرکرد جدی نمی‌باشند یا اساساً به هیچوجه دیرکردی ندارند و همچنین اضافه برداشتی‌ها (از حساب جاری)، نیازمند آن است که از نظر زوال کیفیت اعتباری مورد بررسی و بازنگری قرار گیرند. مورد خاص جایی است که یک قرض‌گیرنده

□ اطلاعاتی درباره مشکلات مهم مالی قرض‌گیرنده (برای مثال، استنادکردن به نقدینگی و جریان نقدی پروژه‌ها).

□ نقض واقعی قرارداد (تأخیر قرض‌گیرنده در بازپرداخت اصل و فرع وام).

□ احتمال زیاد ورشکستگی قرض‌گیرنده یا دیگر مواردی از تجدیدساختار مالی آن (مثلاً به استناد کاهش رتبه اعتباری که به وسیله یک آژانس رتبه‌بندی اعتباری اعلام می‌شود).

□ اعطای امتیازاتی از جانب قرض‌دهنده به قرض‌گیرنده به دلایلی مانند مشکلات مالی